

1- حقوق کیفری عمومی 2- حقوق کیفری اختصاصی 3- آیین دادرسی کیفری

✓ در حقوق کیفری عمومی سه موضوع جرم، مسئولیت کیفری و مجازات مورد بررسی قرار می گیرد.

در حقوق کیفری اختصاصی هر جرم به طور جداگانه تعریف و عناصر و شرایط تشکیل دهنده آن به صورت مجزا تعیین و سبب تفکیک جرایم از یکدیگر میشود و نیز ارکان و خصوصیات جرایم به طور جداگانه و مستقل مورد بررسی قرار می گیرد.

در آیین دادرسی کیفری که رشته ای از حقوق عمومی داخلی است مجموعه ترتیبات، قواعد راجع به کشف جرایم، تعقیب متهمان و تحقیق از آنها، تشریفات رسیدگی، تعیین مراجع صلاحیتدار و نحوه اجرای احکام کیفری مورد بررسی قرار می گیرد.

فصل دوم- منابع حقوق کیفری اختصاصی

✓ منابع حقوق کیفری اختصاصی عبارتند از: منابع قانونی، رویه قضایی، عرف و منابع فقهی که ارکان اصلی تشکیل دهنده حقوق کیفری اختصاصی می باشند.

مبحث نخست- منابع قانونی

گفتار نخست – قانون اساسی

در بسیاری از اصول قانون اساسی به قواعد حاکم بر دادرسی های جزایی اشاره شده است مانند:

اصل 36: حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

اصل 37: اصل برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد و ...

گفتار دوم – قوانین کیفری

اهم این قوانین عبارتند از:

1- قانون مجازات اسلامی (1370)

2- قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری (1367)

3- قانون صدور چک (1355) و ...

✓ قانون مجازات اسلامی مشتمل بر 729 ماده می باشد که در 5 کتاب تقسیم بندی شده است که به ترتیب عبارتند از:

کتاب اول (کیات)، کتاب دوم (حدود)، کتاب سوم (قصاص)، کتاب چهارم (دیات)، کتاب پنجم (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده)

مبحث دوم: رویه قضایی

رویه قضایی دارای دو مفهوم عام و خاص می باشد:

- 1- در مفهوم عام آرای است که از سوی محاکم اعم از بدوی و یا تجدید نظر صادر می شود.
- 2- در مفهوم خاص شامل آرای می گردد که از طرف هیأت عمومی دیوان عالی کشور در موارد خاص صادر و تبعیت از آن برای کلیه محاکم و شعب دیوان در موارد مشابه لازم می باشد.

مبحث سوم – منابع فقهی

✓ منظور از منابع فقهی از دیدگاه امامیه کتاب، سنت، عقل و اجماع است.

نک: چنانچه قانون برای فعل و ترک فعلی مجازات تعیین نکرده باشد، بر اساس متون فقهی نمی توان مرتکب فعل را مجازات کرد چون رجوع به منابع فقهی منحصرأ از باب تفسیر و رفع ابهام و اجمال از قوانین مدونه می باشد

مبحث چهارم- عرف

✓ کاربرد عرف در حقوق جزا در حد تطبیق مصادیق با احکام است و با استناد به آن نمی توان عملی را جرم شناخت و برای آن مجازات تعیین نمود.

بخش دوم- جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص

فصل نخست- قتل عمدی

جرایمی که متوجه وضعیت جسمانی اشخاص می شوند با توجه به نوع و ماهیت و نتایج ایجاد شده بر روی جسم مجنی علیه به صدمات عمدی، شبه عمدی و خطایی تقسیم می شوند.

صدمات بدنی عمدی شامل قتل، ضرب و جرح می باشند.

نک: جرم قتل عمد از جهت حقوق اولیای دم دارای جنبه خصوصی و از نظر اخلال در نظم دارای جنبه عمومی است.

✓ قتل عمدی عبارتست از سلب ارادی حیات انسان زنده به وسیله انسان دیگری به طرق پیش بینی شده در قانون.

مبحث نخست- ارکان تشکیل دهنده قتل عمدی

ارکان تشکیل دهنده قتل عمدی شامل سه رکن قانونی، مادی و معنوی است.

گفتار نخست- رکن قانونی

✓ طبق ماده 205 ق.م.ا، مجازات قتل عمد قصاص می باشد.

✓ طبق ماده 206، قتل در موارد زیر قتل عمدی است:

الف- مواردی که قاتل با انجام کاری قصد کشتن شخص معین یا فرد یا افرادی غیر معین از یک جمع را دارد خواه آن کار نوعاً کشنده باشد خواه نباشد ولی در عمل سبب قتل شود.

- ب- مواردی که قاتل عمداً کاری را انجام دهد که نوعاً کشنده باشد هر چند قصد کشتن شخص را نداشته باشد.
- ج- مواردی که قاتل قصد کشتن را ندارد و کاری را که انجام می دهد نوعاً کشنده نیست ولی نسبت به طرف، بر اثر بیماری و یا پیری و ناتوانی و یا کودکی و امثال آنها نوعاً کشنده باشد و قاتل نیز به آن آگاه باشد.
- ماده 206 به عنوان رکن قانونی قتل عمدی محسوب می شود.

گفتار دوم – رکن مادی

نک: اولین جزء تشکیل دهنده رکن مادی وجود شخص زنده است یعنی باید انسان زنده ای به واسطه عملی کشته شود.

✓ حیات انسان با انعقاد نطفه آغاز می گردد و چنانچه از زمان انعقاد نطفه تا زمان تولد حیات انسان مورد تعرض قرار گیرد جرم خاص سقط جنین مطرح می شود.

- ✓ استقلال وجودی جنین با جدا شدن جریان خون جنین از خون مادر به وسیله قطع بند ناف تحقق می یابد.
- ✓ چنانچه پس از استقلال جنین حیات او حتی در کوتاهترین زمان پس از تولد مورد تجاوز قرار گیرد با حصول سایر شرایط قتل عمدی تحقق می پذیرد.

نک: ویژگیهای فیزیکی و ذهنی مقتول همانند ناقص الخلقه بودن مؤثر در عنوان جرم قتل عمدی نمی باشند.

✓ مرگ مغزی: مرگ مغزی عبارتست از توقف غیر قابل بلزگشت تمام اعمال مغزی.

- ✓ چنانچه فردی بر اثر جراحت دیگری دچار مرگ مغزی شود هر چند که قلب و دیگر اعضای او فعالیت داشته باشند در حکم مرده است و اگر در چنین حالتی از جانب شخص ثالثی جرحی بر او وارد گردد که به حیات او پایان دهد کسی که سبب جراحت اول شده است قاتل است و دومی تنها دیه جنایت بر مرده را می پردازد (ماده 217).
- ✓ بنابر رأی هیأت عمومی دیوان عالی کشور، چنانچه کسی اقرار به قتل عمدی دیگری نماید اما علی رغم چنین اقراری جسد مقتول کشف نشود امکان صدور حکم قصاص وجود ندارد بنابراین:
- نک: احراز حیات و مرگ مقتول از شرایط لازم تحقق جرم قتل عمد می باشد.

- ✓ دومین جزء رکن مادی قتل عمدی فعل مرتکب که باید عملی مثبت و مادی مانند: سوزاندن، خوراندن و زدن باشد، می باشد و لذا ترک فعل را نمی توان به عنوان رکن مادی قتل عمدی محسوب کرد مثلاً عدم شیردادن مادر به طفل خود که موجب مرگ او می شود و یا عدم کمک نجات غریق در صورت غرق شدن یک طفل.
- ✓ هرگاه کسی مرتکب عملی گردد که موجب هراس شخصی شود مانند اسلحه کشیدن بر روی شخص و یا انفجار صوتی، که بر اثر این ارباب شخص بمیرد، اگر این عمل نوعاً کشنده باشد و یا به قصد قتل انجام شود هر چند نوعاً کشنده نباشد، قتل عمد محسوب شده و اگر این عمل نه نوعاً کشنده باشد و نه به قصد قتل انجام گیرد قتل شبه عمد محسوب می شود.

- ✓ چنانچه شخصی با سوء نیت اقدام به اطلاع حادثه ناگواری به وسیله دستگاههای مخابراتی و یا وسایل ارتباطی به دیگری نماید و سبب مرگ او گردد مرتکب قتل عمد نشده است.

گفتار سوم: رکن معنوی

✓ مقصود از رکن معنوی مشخص نمودن وضعیت ذهنی و روانی مرتکب در ارتباط با افعالی است که انجام می دهد، به عبارت دیگر شامل عمدی بودن اقداماتی می باشد که تشکیل دهنده رکن مادی قتل است.

نک: نخستین ضابطه تشخیص نوع قتل عمدی قصد قتل می باشد.

✓ چنانچه در قتل عمدی کار انجام شده توسط مرتکب نوعاً کشنده باشد ولی مرتکب قصد قتل نداشته باشد تصور تحقق معاونت درچنین قتلی موضوعاً منتفی است.

مبحث دوم- مفهوم کار یا عمل نوعاً کشنده

گفتارنخست- آلت قتاله به اعتبار ذات وسیله

✓ به کار گرفتن سلاح اعم از سرد وگرم مانند شمشیر، کارد، اقسام سلاحهای شکاری و جنگی و سموم مهلک از جمله وسایل کشنده محسوب میشوند.

نک: چنانچه شخصی به وسیله آلت قتاله ای جرحی به دیگری وارد و سبب مرگ او گردد چون به کار بردن چنین وسیله ای ذاتاً کشنده می باشد قتل عمدی است.

✓ وسایل قتاله هنگامی به اعتبار ذات و ماهیتشان کشنده محسوب می گردند که به نحو معمول از آنها استفاده شود، مثلاً چنانچه با قنداق اسلحه ضربه ای به شخصی وارد و سبب مرگ او شود نمی توان به لحاظ قتاله بودن اسلحه چنین قتلی را عمدی دانست، زیرا کاربرد صحیح سلاح، شلیک گلوله به وسیله آن می باشد.

نک: علم مرتکب به قتاله بودن وسایل ضروری نمی باشد و تنها کافی است برای ارتکاب قتل از آنها استفاده نماید.

✓ چنانچه کسی به وسیله اسلحه گلوله ای به دیگری بزند، ادعای او مبنی بر اینکه از قابلیت عملکرد آن اطلاعی نداشته قابل قبول نمی باشد.

گفتاردوم- آلت قتاله به اعتبار موضع اصابت

✓ مقصود از وسایل کشنده به اعتبار حساسیت موضع، وسایلی است که مانند قسم نخست، ذاتاً و ماهیتاً کشنده نمی باشند، بلکه به واسطه اصابت به قسمتی از نقاط حساس بدن، قتاله محسوب می شوند.

✓ چنانچه شخصی به نقطه حساس و حیاتی بدن مقتول همانند سر ضربه ای وارد و این امر سبب مرگ او شود چنین قتلی به اعتبار محل برخورد عمدی محسوب می شود.

نک: علم و یا جهل مرتکب نسبت به حساسیت موضع اصابت شرط نمی باشد، لذا دفاع متهم مبنی بر عدم اطلاع از نقاط حساس و حیاتی بدن همانند قلب و سر پذیرفته نمی شود.

گفتار سوم- آلت قتاله به اعتبار وضعیت مقتول

✓ مطابق بند «ج» ماده 206، وضعیت های مجنی علیه به دو حالت مشهود (کودکی، پیری، ناتوانی) و غیر مشهود (بیماری) قابل تقسیم بندی است و آگاهی قاتل نسبت به چنین وضعیت هایی شرط تحقق قتل عمدی است. در مورد حالت مشهود به دلیل وضوح آنها دفاع متهم در خصوص عدم آگاهی قابل ترتیب اثر نیست اما در حالت غیر مشهود دفاع متهم در خصوص عدم آگاهی قابل رسیدگی و ترتیب اثر است و در این مورد آگاهی قاتل شرط تحقق قتل عمدی است.

مبحث سوم- اقسام قتل عمدی

قتل عمدی به اعتبار رکن معنوی به اقسام زیر تقسیم بندی می شود:

گفتار نخست – قتل با سوء نیت ساده و با سبق تصمیم

✓ در قتل با سوء نیت ساده، قاتل بدون اینکه از قبل برای ارتکاب قتل اقدام به طرح نقشه و برنامه کند و یا مقدماتی را فراهم کرده باشد مرتکب آن می گردد، مثلاً دو راننده با یکدیگر تصادف نمایند و بر اثر درگیری یکی دیگری را به قتل برساند، چون در این مورد هیچگونه طرح و نقشه ای از قبل برای ارتکاب قتل پیش بینی نشده است.

✓ در قتل های با سبق تصمیم، مرتکب از قبل راجع به نحوه و چگونگی ارتکاب قتل تصمیم می گیرد و مقدمات و وسایل لازم را تهیه و زمان و مکان آن را مشخص می کند. این نوع قتلها معمولاً با انگیزه و هدفی مشخص صورت می گیرد و در مقایسه با قتل های با سوء نیت ساده از قساوت قلب و زشتی برخوردار است.

گفتار دوم- قتل با سوء نیت مطلق و مقید

✓ در قتل های با سوء نیت مطلق، قاتل قصد کشتن شخص معلوم یا مشخصی را ندارد و هدف او تنها سلب حیات است بدون آنکه لزوماً شخص معینی مورد نظر او باشد، مثلاً فردی با پرتاب نارنجک و یا کار گذاشتن بمب در محلی قصد کشتن فرد یا افراد نامعینی را داشته باشد.

✓ در قتل های عمدی با سوء نیت مقید، مقصود قاتل کشتن شخص معین و مشخصی است به عبارتی در این قتلها هدف قاتل از پیش تعیین شده و هویت مقتول معلوم می باشد.

گفتار سوم – نقش انگیزه در ارتکاب قتل عمدی

✓ وجود انگیزه یا داعی جزء شرایط رکن معنوی قتل عمد محسوب نمی شود.

✓ وجود یا عدم وجود انگیزه در قتل عمد با توجه به اینکه مجازات آن قصاص است و این مجازات ثابت است و حداقل و حداکثری برای آن وجود ندارد بی تأثیر است، اما از نظر حقوق اولیای دم در انتخاب مجازات قصاص، عفو و همچنین تعیین میزان مجازات تعزیری توسط دادگاه قابل بررسی می باشد.

مبحث چهارم – اشتباه در قتل عمدی

گفتار نخست- اشتباه در هویت مقتول

✓ مقصود از اشتباه در هویت شخص این است که قاتل عالماً و عامداً اقدام به کشتن مقتول می نماید اما پس از ارتکاب قتل متوجه می گردد که شخص دیگری را هدف قرار داده و به قتل رسانده است.

در چنین موردی چون مقتول شخص مورد نظر قاتل نبوده لذا چنین قتلی به حکم قانون عمدی تلقی نمی گردد و طبق یکی از آرای هیأت عمومی دیوان عالی کشور اشتباه در هویت مجنی علیه را از مصادیق قتل شبه عمد دانسته است.

✓ طبق نظر مؤلف اشتباه در هویت مقتول تأثیری در ماهیت عمدی بودن قتل ندارد.

گفتار دوم- اشتباه در هدف گیری

✓ اشتباه در هدف گیری شامل مواردی است که شخصی به قصد کشتن فرد معینی به سوی او اقدام به تیراندازی می کند اما در هدف گیری دچار اشتباه شده و گلوله به کسی که مورد نظر او نیست اصابت می کند و موجب مرگ او می شود.

✓ طبق ماده 296، قتل‌های ناشی از عدم مهارت در تیراندازی از جمله قتل‌های خطایی محسوب می شود.

✓ طبق نظر مؤلف چنین قتل‌هایی به عنون قتل عمدی محسوب می شوند.

مبحث پنجم- قتل‌هایی که به علت زایل شدن رکن معنوی عمدی محسوب نمی شوند.

گفتار نخست- اکراه

✓ طبق ماده 54، در جرایمی که مجازات‌های آنها از نوع تعزیری یا بازدارنده است، هرگاه کسی بر اثر اجبار یا اکراه که عادتاً قابل تحمل نباشد مرتکب جرمی گردد مجازات نخواهد شد، در این مورد اجبار کننده به مجازات فاعل جرم محکوم می گردد.

✓ طبق ماده 211، اکراه در قتل و یا دستور به قتل دیگری مجوز قتل نیست، بنابراین اگر کسی را وادار به قتل دیگری کنند یا دستور به قتل رساندن دیگری را بدهند، مرتکب قصاص می شود و اکراه کننده و آمر به حبس ابد محکوم می گردند.

تبصره 1- اگر اکراه شونده طفل غیر ممیز یا مجنون باشد فقط اکراه کننده محکوم به قصاص است.

تبصره 2- اگر اکراه شونده طفل ممیز باشد نباید قصاص شود بلکه باید عاقله او دیه را بپردازد و اکراه کننده نیز به حبس ابد محکوم است.

نک : اکراه باید واجد تمام خصوصیات و شرایط عمومی از قبیل غیر قابل اجتناب و پیش بینی، عادتاً غیر قابل تحمل، غیر قابل دفع و نامشروع باشد و اگر فاقد یکی از این اوصاف باشد اکراه محسوب نمی شود.

گفتار دوم- مستی

✓ طبق ماده 224، قتل در حال مستی موجب قصاص است، مگر اینکه ثابت شود که در اثر مستی به کلی مسلوب الاختیار بوده و قصد از او سلب شده است و قبلاً هم برای چنین عملی خود را مست نکرده باشد و در صورتی که

اقدام وی موجب اختلال در نظم جامعه و یا خوف شده و یا بیم تجری مرتکب و یا دیگران گرد موجب حبس تعزیری از 3 تا 10 سال خواهد بود.

بدین لحاظ قانونگذار افوادی را که خود را به طور عمدی برای ارتکاب قتل عمدی مست می کنند، حتی با وجود مسلوب الاختیار بودن و سلب قصد از شمول معافیت ماده 224 مستثنی نموده است.

حکم ماده 224 تنها مختص مستی نیست و در مورد سایر موارد مانند موافق و داروهای روان گردان که سبب سلب اراده و قصد مرتکب شوند نیز قابل اعمال است.

گفتار سوم- خواب یا بیهوشی

✓ طبق ماده 225، هرگاه کسی در حال خواب یا بیهوشی شخصی را بکشد قصاص نمی شود، فقط به دیه قتل به ورثه مقتول محکوم خواهد شد.

✓ طبق ماده 323، هرگاه کسی در حال خواب بر اثر حرکت و غلطیدن موجب تلف یا نقص عضو دیگری شود جنایت او به منزله خطای محض بوده و عاقله او عهده دار دیه خواهد بود.

نک: چنانچه شخصی با استفاده از روش خواب تلقینی (هیپنوتیزم) دستور قتل دیگری را بدهد به لحاظ اینکه مباشر در ارتکاب قتل فاقد اراده و اختیار است و به عنوان ابزاری در دست مسبب می باشد قابل تعقیب نمی باشد.

مبحث ششم – همکاری در ارتکاب قتل عمدی

✓ هرگاه شخصی به تنهایی اقدام به جرمی نماید به چنین شخصی مباشر جرم گرفته می شود اما اگر مداخله کنندگان در ارتکاب جرم متعدد باشند بحث شرکت و معاونت مطرح می شود.

گفتار نخست – شرکت در قتل عمدی

طبق ماده 42، هر کس عالماً عامداً با شخص یا اشخاص دیگر در یکی از جرایم قابل تعزیر یا مجازاتهای بازدارنده مشارکت نماید و جرم مستند به عمل آنها باشد خواه عمل هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی باشد خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم است. در مورد جرایم غیر عمدی که ناشی از خطای دو نفر یا بیشتر باشد مجازات هر یک از آنها نیز مجازات فاعل مستقل خواهد بود.

تبصره- اگر تأثیر مداخله شریکی در جرم ضعیف باشد دادگاه مجازات او را به تناسب عمل او تخفیف می دهد .

✓ طبق ماده 215، شرکت در قتل زمانی تحقق پیدا می کند که کسی در اثر ضرب و جرح عده ای کشته شود و مرگ او مستند به عمل همه آنها باشد، خواه عمل هر یک به تنهایی برای قتل کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی باشد خواه متفاوت.

نک: شرکت در قتل لزوماً به واسطه ایراد ضرب و جرح عمدی نمی باشد، بلکه انجام هر کاری می تواند به عنوان رکن مادی جرم محسوب شود.

✓ در مواردی که شخصی به وسیله چند نفر مورد ضرب و جرح قرار گیرد و پس از معاینات، پزشکی قانونی علت تامه مرگ را ضربه مغزی ناشی از اصابت جسم سخت تعیین و مرجع قضایی نیز ضارب را مشخص نماید، فرض شرکت در قتل عمدی منتفی و شخصی که سبب ایجاد ضربه مغزی شده قاتل محسوب و سایر شرکاء حسب مورد به قصاص عضو و یا پرداخت دیه محکوم می شوند.

✓ طبق ماده 315، اگر دو نفر متهم به قتل باشند و هر کلم ادعا کند که دیگری کشته است و علم اجمالی بر وقوع قتل توسط یکی از آن دو باشد و حجت شرعی بر قاتل بودن یکی اقامه نشود و نوبت به دیه برسد با قید قرعه دیه از یکی از آنها گرفته می شود. به این لحاظ با توجه به ماده 315، در صورتی که قاتل حقیقی مشخص نشود مجازات قصاص منتفی و مجازات دیه آن هم به قید قرعه مورد استفاده قرار می گیرد.

✓ ماده 212 در خصوص مجازات شرکای در قتل عمدی مقرر می دارد:

هرگاه دو یا چند مرد مسلمان مشترکاً مرد مسلمانی را بکشند، ولی دم میتواند با اذن ولی امر همه آنها را قصاص کند و در صورتی که قاتل دو نفر باشند باید به هر کدام از آنها نصف دیه و اگر سه نفر باشند باید به هر کدام دوثلث دیه و اگر چهار نفر باشند باید به هر کدام ربع دیه را بپردازد و به همین نسبت در افراد بیشتر. تبصره 1- ولی دم میتواند برخی از شرکای در قتل را با پرداخت دیه مذکور در این ماده قصاص نماید و از بقیه شرکاء نسبت به سهم دیه اخذ نماید.

تبصره 2- در صورتی که قاتلان و مقتول همگی از کفار ذمی باشند همین حکم جاری است.

نک: چنانچه مردی مرتکب قتل عمدی زنی شود، صدور حکم قصاص و اجرای آن منوط به پرداخت دیه از جانب اولیای دم مقتول به قاتل می باشد.

✓ اگر اولیای دم بعضی از قاتلان را به اخذ دیه از مجازات قصاص عفو نماید، مسئولیت پرداخت سهم دیه قاتلی که قصاص می شود برعهده آنهاست.

✓ طبق ماده 615، هرگاه عده ای با یکدیگر منازعه نمایند هر یک از شرکت کنندگان در نزاع حسب مورد به مجازات زیر محکوم می شوند:

1- در صورتی که نزاع منتهی به قتل شود به حبس از یک تا سه سال

2- در صورتی که منتهی به نقص عضو شود به حبس از 6 ماه تا 3 سال

3- در صورتی که منتهی به ضرب و جرح شود از 3 ماه تا یکسال

تبصره - مجازاتهای فوق مانع اجرای مقررات قصاص یا دیه محسوب مورد نخواهد شد.

تبصره ماده 615، ناظر به موردی است که مرتکب مشخص و معلوم باشد.

نک: صرف شرکت در نزاع برای اعمال مجازات کفایت می کند و ارتباطی به زمان ورود و نوع کار انجام شده توسط مرتکب یا مرتکبین ندارد.

گفتار دوم - معاونت در قتل عمدی

✓ معاون در جرم به شخص یا اشخاصی گفته می شود که در ارتکاب جرم با مباشر و یا شرکا بدون اینکه قسمتی از عناصر مادی جرم مستند به عمل آنها باشد همکاری کنند.

مثلاً چنانچه شخص (الف) قصد کشتن شخص (ب) را داشته باشد و برای تحقق چنین امری شخص (ج) اسلحه ای در اختیار او قرار دهد و قتل تحقق یابد، شخص (ج) با حصول سایر شرایط معاون در قتل عمدی است.

✓ طبق ماده 43، اشخاص زیر معاون جرم محسوب و با توجه به شرایط و امکانات و دفعات و مراتب جرم و تأدیب از وعظ و تهدید و درجات تعزیر، تعزیر می شوند:

1- هر کس دیگری را تحریک یا ترغیب یا تهدید و یا تطمیع در ارتکاب جرم نماید و یا به وسیله دسیسه و فریب و نیرنگ موجب وقوع جرم شود.

2- هر کس با علم و عمد و سایل ارتکاب جرم را تهی کند و یا طریق ارتکاب آن را با علم به قصد مرتکب ارائه دهد.

4- هر کس عالماً، عامداً وقوع جرم را تسهیل کند.

نک: تبصره 1- برای تحقق معاونت در جرم وجود وحدت قصد و تقدم و یا افتراق زمانی بین عمل معاون و مباشر جرم شرط است.

نک: تحقق عنوان معاونت تنها به صورت انجام فعل مثبت است و امکان تحقق آن به صورت ترک فعل وجود ندارد، چون طبق رأی دیوان عالی کشور نیز اگر کسی در حضور دیگری مرتکب قتلی شود و شخص حاضر با امکان جلوگیری سکوت اختیار کند، شخص حاضر مستحق هیچگونه مجازاتی نیست.

✓ عمل معاون باید قبل یا همزمان با وقوع ارتکاب جرم باشد لذا عملیاتی که بعد از وقوع جرم اتفاق می افتد همانند ذمن نمودن جسد مصداق معاونت نمی باشد، مگر اینکه قانون وضع خاصی برای این اعمال در نظر گرفته باشد.

✓ مباشر و معاون برای انجام جرم ی خاص باید وحدت قصد داشته باشند یعنی در خصوص اینکه با همکاری یکدیگر مرتکب چه جرمی می شوند از قبل توافق کرده باشند.

نک: عمل معاون باید در جرم ارتكابی مباشر مؤثر واقع شود و الا معاونت تحقق نمی پذیرد و به طور کلی معاون وقتی مستوجب مجازات است که فاعل اصلی مرتکب جرمی شود و یا شروع به اجرای آن نماید.

✱ مجازات معاونت: طبق ماده 726، هر کس در جرایم تعزیری معاونت نماید حسب مورد به حداقل مجازات مقرر در قانون برای همان جرم محکوم می شود.

در خصوص مجازات معاونت در قتل عمدی ماده 207 بیان می دارد:

هرگاه مسلمانی کشته شود قاتل قصاص می شود و معاون در قتل عمد به 3 تا 15 سال حبس محکوم می شود.

نک: چنانچه در قتل عمدی مباشر شاکی نداشته یا شاکی داشته و از قصاص گذشت کرده باشد مجازات معاونت حبس از 1 تا 5 سال خواهد بود.

نک: در منابع فقهی چنانچه شخص، دیگری را نگه دارد تا قاتل او را به قتل برساند «ممسک» نامیده می شود و برای او مجازات حبس ابد تعیین کرده اند و اگر شخص ثالثی نیز نظاره گر باشد به کور شدن هر دو چشم محکوم می گردد، لذا امساک یکی از مصادیق معاونت در قتل عمدی است.

نک: اشخاصی که در قتل عمدی با مباشر جرم همکاری می نمایند در صورتی ممسک شناخته و مجازات ممسک برای آنها در نظر گرفته می شود که فاقد وحدت قصد با مباشر باشند و در صورت وحدت قصد مقررات ماده 207 حکم فرماست.

مبحث هفتم – ادله اثبات قتل عمدی

✓ طبق ماده 231، راههای ثبوت قتل در دادگاه عبارتند از:

1- اقرار 2- شهادت 3- قسامه 4- علم قاضی

نک: تفاوتی که ادله اثبات قتل با سایر جرایم دارد این است که قسامه منحصرأ اختصاص به اثبات قتل عمدی، شبهه عمدی، خطایی و جراحات دارد.

گفتار نخست- اقرار

✓ اقرار در امور کیفری به طور اعم و در قتل عمدی به طور اخص از جمله ادله اثبات دعوی محسوب می شود.

✱ اقرار در امور کیفری عبارتست از: پذیرش اتهام و اقدامات مادی که به متهم نسبت داده می شود.

✓ طبق قانون مجازات اسلامی اقرار در امور کیفری و به خصوص قتل عمدی موضوعیت دارد و جهت صدور حکم کافی است و نیازی به تحقیقات دیگری نیست، ولی به نظر مؤلف اقرار در امور کیفری صرفاً طریقت دارد و تنها می تواند راهی برای کشف واقع باشد.

✓ طبق ماده 236، اگر کسی به قتل عمدی شخصی اقرار کند و پس از آن دیگری به قتل عمدی همان مقتول اقرار نماید، در صورتی که اولی از اقرارش برگردد قصاص یا دیه از هر دو ساقط است و دیه از بیت المال پرداخت می شود و این در حالی است که قاضی احتمال عقلایی ندهد که قضیه توطئه آمیز است.

تبصره- در صورتی که قتل عمدی بر حسب شهادت شهود یا قسامه یا علم قاضی قابل اثبات باشد قاتل به تقاضای ولی دم قصاص می شود.

گفتار دوم- شهادت

✱ شهادت در اصطلاح حقوقی عبارتست از: اخبار از وقوع امور محسوس به یکی از حواس است در غیر

مورد اخبار به حقی به ضرر خود و به نفع غیر (که در اینصورت اسم آن اقرار است).

✓ طبق بند الف ماده 237، قتل عمد با شهادت دو مرد عادل ثابت می شود. بنابراین شهادت زنان خواه مستقلاً و خواه توأم با مردان در اثبات قتل عمدی بی تأثیر است.

دادگاه نباید بدین لحاظ که شهادت زنان هیچگونه تأثیری در اثبات قتل عمدی ندارد از اخذ اظهارات و استماع آنها خودداری کند.

✓ طبق ماده 155 قانون آیین دادرسی کیفری، در مواردی که قاضی به شهادت شاهد به عنوان دلیل شرعی استناد می نماید لازم است شاهد دارای شرایط زیر باشد:

1- بلوغ 2- عقل 3- ایمان 4- طهارت مولد 5- عدالت 6- عدم وجود انتفاع شخصی برای شاهد یا رفع ضرر از وی 7- عدم وجود دشمنی دنیوی بین شاهد و طرفین دعوا 8- عدم اشتغال به تکدی و ولگردی.

تبصره 1- در مورد عداوت دنیوی چنانچه شهادت شاهد به نفع طرف باشد پذیرفته می شود.

تبصره 2- در حقوق الناس شهادت در صورتی پذیرفته خواهد بود که به دستور دادگاه صورت بگیرد.

تبصره 3- کسی که سابقه فسق یا اشتها به فساد دارد چنانچه به منظور ادای شهادت تبه کند تا احراز تغییر در اعمال او و اطمینان از صلاحیت و عدالت وی شهادتش پذیرفته نمی شود.

گفتار سوم- قسامه

یکی دیگر از ادله اثبات قتل قسامه است و به معنای سوگند خوردگان و تعداد سوگند آمده است.

طبق نظر فقهای امامیه، برای اجرای قسامه ابتدا باید موضوع دعوی داخل در باب لوث شود، بنابراین تازمانی که لوث محقق نشود امکان اثبات قتل و یا جراحات به وسیله قسامه امکان پذیر نمی باشد.

✓ لوث در اصطلاح حقوقی عبارتست از: قراین و اماراتی که موجب ظن قاضی مبنی بر صدق ادعای مدعی می گردد.

✓ طبق ماده 242، در صورتی که قراین و نشانه های ظنی معارض یکدیگر باشند مورد از موارد لوث محسوب نمی گردد.

چنانچه موضوع دعوی قتل داخل در باب لوث شود نوبت به مرحله اجرای قسامه است که در این مرحله قاضی ابتدا باید از مدعی علیه بخواهد چنانچه دلایلی دال بر بی گناهی خود دارد ارائه دهد و بر فرض پذیرش ادله ارائه شده، قراین و امارات ظنیه به حکم قانون منتفی و حکم برائت مدعی علیه صادر می گردد ولی چنانچه دلایل مدعی علیه به درجه ای از اعتبار نباشند که بتوانند قراین و اماراتی که موجب ظن بر علیه او شده را منتفی سازد، در چنین فرضی مدعی باید اقامه قسامه کند و در صورت امتناع از قسامه می تواند از مدعی علیه مطالبه قسامه نماید.

✱ کمیت و کیفیت اجرای قسم: طبق ماده 248، در موارد لوث، قتل عمد با قسم 50 نفر مرد ثابت می شود و قسم خوردگان باید از خویشان و بستگان نسبی مدعی باشند.

تبصره 1- مدعی و مدعی علیه می توانند حسب مورد یکی از قسم خوردگان باشند.

تبصره 2- چنانچه تعدادقسم خوردگان مدعی علیه کمتر از 50 نفر باشند هر یک از قسم خوردگان مرد می توانند بیش از یک قسم بخورند به نحوی که 50 قسم کامل شود.

تبصره 3- چنانچه مدعی علیه نتواند کسی از خویشان و بستگان نسبی خود را برای ادای قسم حاضر کند می تواند خودش 50 قسم بخورد و تبرئه شود.

نک: طبق ماده 253، نصاب قسامه در قتل شبه عمد و خطای محض 25 نفر می باشد.

قسامه باید با لفظ جلاله و یا نام خداوند متعال باشد و قسم خوردن به سایر مقدسات اسلام صحیح نیست.

نک: فرقی بین مسلمان و غیر مسلمان در ادای سوگند به نام خداوند نخواهد بود.

✓اگو سوگند یادکنندگان وضو گرفته و به قرآن سوگند یاد کنند چنین سوگندی باطل می باشد.

نکته: استماع سوگند قسم خوردگان و اجرای مراسم قسامه صرفاً با قاضی صادر کننده حکم است.

✓به موجب ماده 266، چنانچه مجنی علیه ولی نداشته باشد ولی دم او ولی امر مسلمین است که با ت فویض اختیار به دادستانهای مربوط، نسبت به تعقیب مجرم و تقاضای قصاص یا دیه حسب مورد اقدام می نماید.

✱ شرایط قسم خوردندگان :

1- مرد بودن: کلیه قسم خوردندگان غیر از مدعی و مدعی علیه باید مرد باشند.

2- داشتن رابطه نسبی با مدعی و مدعی علیه.

3- مشخص نمودن نوع قتل و خصوصیات قاتل و مقتول: اگر قسم خوردندگان مشخصات قاتل و مقتول را اعلام نمایند اما نوع قتل را از لحاظ عمدی و غیر عمدی بودن مشخص نکنند، قسامه باطل و فاقد اعتبار است.

4- علم قسم خوردندگان به ارتکاب قتل: طبق ماده 251، قسم خوردندگان باید علم به ارتکاب قتل داشته باشند و

از روی جزم قسم بخورند و قسم از روی ظن کفایت نمی کند.

گفتار چهارم- علم قاضی

✱ علم قاضی : عبارتست از حالت و وضعیتی نفسانی که با بررسی، ارزیابی و سنجش ادله راجع به دعوی

کیفری، ماهیت موضوع و اوضاع و احوال برای قاضی ایجاد می گردد.

✓ طبق ماده 105، حاکم شرع می تواند در حق الله وحق الناس به علم خود عمل کند و حد الهی را جاری نماید و لازم است مستند علم را ذکر کند.

✓ اجرای حد در حق الله متوقف بر درخواست کسی نیست ولی در حق الناس اجرای حد موقوف به درخواست صاحب حق می باشد.

نک: مستندات علم قاضی مربوط به امور محسوس، مشهود و قابل بررسی در محدوده مدارک موجود در پرونده است و شامل ذهنیات و اطلاعات شخصی قاضی نمی باشد.

مبحث هشتم – مجازات قتل عمدی

✓طبق ماده 14، قصاص کیفری است که جانی به آن محکوم می شود و باید با جنایت او برابر باشد.

✓ طبق ماده 205، قتل عمد موجب قصاص است، لیکن با رضایت ولی دم و قاتل به مقدار دیه کامله یا کمتر یا زیاده از آن تبدیل می شود.

نک: چنانچه اولیای دم خواهان اخذ دیه از قاتل و عدم اجرای قصاص باشند اما قاتل درخواست آنها را اجابت ننماید و تقاضای اجرای قصاص کند، اولیای دم نمی توانند بجای قصاص که مجازات اصلی است درخواست دیه نمایند.

✱ شرایط ثبوت قصاص:

1- تساوی در دین: چنانچه قاتل و مقتول هر دو مسلمان باشند قاتل قصاص می شود اما اگر قاتل مسلمان و مقتول غیر مسلمان باشد قصاص منتفی است.

طبق نظریه اداره حقوقی قوه قضاییه، با احراز مسلمان بودن و اسلام، فرقی بین شیعه سنی بودن و سایر مذاهب اسلامی وجود ندارد و طفل ناشی از زنا که والدین طبیعی او مسلمان باشند نیز حکم مسلمان را دارد.

2- انتقای ابوت: طبق ماده 220، پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی شود و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد.

3- داشتن شرایط تکلیف: طبق ماده 221، هرگاه دیوانه یا نابالغی عمداً کسی را بکشد خطا محسوب و قصاص نمی شود بلکه باید عاقله آن دیه قتل خطا را به ورثه مقتول بدهند.

✓ ملاک و معیار سنجش بلوغ و عقل، حین ارتکاب جرم است، لذا چنانچه صغیری مرتکب قتل شود و بعد از آن کبیر گردد نمی توان به واسطه چنین امری او را قصاص نمود و همچنین اگر مجنون مرتکب قتل شود و سپس افاقه پیدا کند قابل مجازات نخواهد بود.

✓ طبق ماده 221، در جرایم قتل نفس یا نقص عضو اگر جرم ارتكابی عمدی باشد و مرتکب صغیر یا مجنون باشد و پس از بلوغ یا افاقه مرتکب، مجنی علیه د ر اثر سرایت فوت شود مستوجب قصاص نمی باشد.

طبق ماده 222، هرگاه عاقلی دیوانه ای را بکشد قصاص نمی شود و باید دیه قتل به ورثه مقتول بپردازد و اگر اقدام وی موجب اخلال در نظم عمومی و یا بیم تجری مرتکب و دیگران گردد موجب حبس تعزیری از 3 تا

10 سال می شود.

4- مهدور الدم نبودن مقتول: چنانچه ثابت شود مقتول مهدور الدم بوده، قصاص و دیه ساقط می شود.

✓ چنانچه کسی با نیت مهدور الدم یا مستوجب قصاص بودن مقتول مرتکب قتل او شود در صورتی که چنین نیتی برای دادگاه ثابت شود اما مهدور الدم بودن مقتول به اثبات نرسد چنین قتلی به منزله خطای شبیه عمد محسوب و قاتل به پرداخت دیه محکوم می شود.

گفتار دوم – تعزیر

✓طبق ماده 208 ، هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته و یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و اقدام وی موجب اخلاف در نظم جامعه ویا بیم تجری مرتکب و دیگران گردد موجب حبس تعزیری از 3 تا 10 سال خواهد بود.

گفتار سوم – ديه

✓ مجازات قتل عمدی قصاص است اما در مواردی که مجازات قصاص منتفی می شود ديه جانشین آن می گردد مانند:

- 1- توافق با ولی دم مبنی بر پرداخت ديه 2- قتل غیر مسلمان توسط مسلمان 3- قتل فرزند توسط پدر یا جد پدری
4- قتل دیوانه توسط عاقل 5- قتل در صورت فرار قاتل.

مبحث نهم- شرایط اجرای قصاص

گفتار نخست – تقاضای ولی دم

✓طبق ماده 19 ، کسی که محکوم به قصاص است باید با اذن ولی دم او را کشت پس اگر کسی بدون اذن ولی دم او را بکشد مرتکب قتلی شده که موجب قصاص است.

✱ ماده 261، در تعریف اولیای دم مقرر می دارد: اولیای دم که قصاص و عفو در اختیار آنهاست همان ورثه مقتولند، مگر شوهر یا زن که در قصاص و عفو و اجرا اختیاری ندارند.

نک: مسلم بودن ولی دم از شرایط لازم جهت صدور حکم قصاص می باشد و دادگاه باید به طرق مختلف آن را احراز نماید.

✓ زن و شوهر هر چند ولی قصاص نیستند اما ولی ديه محسوب می شوند و در صورتی که قصاص تبدیل به ديه گردد می توانند حق خود را مطالبه نمایند.

✓ چنانچه ولی دم واحد و کبیر باشد می تواند بعد از ثبوت قصاص با اذن ولی امر شخصاً قاتل را قصاص کند و ای قصاص را به ديه تبدیل نماید.

✱ چنانچه اولیای دم متعدد باشند حالات زیر قابل بررسی است:

1 - اولیای دم کبیر باشند: طبق ماده 264 ، در صورتی که ولی دم متعدد باشند موافقت همه آنها در قصاص لازم

است چنانچه همگی خواهان قصاص قاتل باشند قاتل قصاص می شود و اگر بعضی از آنها خواهان قصاص و دیگران خواهان ديه ، خواهان قصاص می تواند قاتل را قصاص کند لیکن باید سهم ديه سایر اولیای دم را که خواهان ديه هستند بپردازد و اگر بعضی از اولیای دم به طور رایگان عفو کنند دیگران می توانند پس از پرداخت سهم عفو کنندگان به قاتل او را قصاص نمایند.

2 - اولیای دم برخی کبیر و برخی صغیر باشند: چنانچه اولیای دم کبیر تقاضای قصاص نمایند با تأمین سهم

صغار از ديه شرعی میتوانند قاتل را قصاص کنند.

3- اولیای دم صغیر باشند: طبق نظر مؤلف و ماده 52 قانون حدود و قصاص 1361، در صورتی که ولی دم

صغیر یا مجنون باشد ولی او (پدر، جد پدری، یا قیم منصوب از طرف آنها یا حاکم شرع قصاص می کند یا

قصاص را به دیه تبدیل می کند اما طبق نظر مشهور باید تا زمان بلوغ ولی دم صغیر صبر نمود.

✓ طبق مواد قانونی حمل جزء ورثه بوده و در نتیجه ولی دم محسوب می شود اما به نظر مؤلف حمل به عنوان ولی دم محسوب نمی شود.

عدم وجود، شناخت، یا در دسترس نبودن ولی دم:

✓ طبق ماده 266، اگر مجنی علیه ولی نداشته باشد و یا شناخته نشود و یا به او دسترسی نباشد ولی دم او ولی

امر مسلمین است و رئیس قوه قضائیه با استیذان از ولی امر و تفویض اختیار به دادستانهای مربوط نسبت به

تعقیب مجرم و تقاضای قصاص یا دیه حسب مورد اقدام می نمایند.

طبق نظر اداره حقوقی قوه قضائیه، تفویض اختیار موضوع ماده 266 به سایر قضات مجوز قانونی ندارد و از

شمول ماده مزبور خارج است.

گفتار دوم – اذن ولی امر

✓ طبق قانون، استیفای قصاص توسط اولیای دم منوط به اذن ولی امر می باشد که او نیز می تواند این امر را به

رئیس قوه قضائیه یا دیگری تفویض کند (ماده 205).

✓ چنانچه اولیای دم بدون اذن ولی امر رأساً اقدام به استیفای قصاص نمایند طبق نظر اداره حقوقی قوه قضائیه

قابل تعزیر میباشند ولی طبق نظر مؤلف مجازات نمودن مرتکب صحیح نمی باشد.

نک: در هر مورد که باید مقداری از دیه را به قاتل بدهند و قصاص کنند باید پرداخت دیه قبل از قصاص باشد.

مبحث دهم – کیفیت استیفای قصاص

✓ طبق ماده 293 آیین نامه اجرای احکام، قبل از اجرای حکم اعدام یا قصاص نفس یا رجم یا صلب مراسم مذهبی

توسط اشخاصی که صلاحیت دارند نسبت به محکوم علیه انجام می گیرد و هنگام اجرای حکم اعدام باید رئیس

دادگاه صادر کننده حکم یا نماینده او، رئیس نیروی انتظامی محل یا نماینده او، رئیس زندان، پزشکی قانونی

و منشی دادگاه حاضر باشند، وکیل محکوم علیه نیز می تواند حضور یابد، پس از حاضر کردن محکوم علیه در

محل، رئیس دادگاه یا نماینده او دستور اجرای حکم را صادر و منشی دادگاه حکم را قرائت می کند، سپس حکم

اجرا و صورت مجلس تنظیمی به امضای حاضران می رسد.

✓ در ماده 362 به یکی از موانع اجرای حکم قصاص اشاره شده است، طبق این ماده:

زن حامله که محکوم به قصاص است نباید قبل از وضع حمل قصاص شود و پس از وضع حمل چنانچه قصاص

موجب هلاکت طفل باشد باید به تأخیر افتد تا خطر مرگ از طفل برطرف گردد.

✓ زمان اجرای حکم قصاص اول طلوع آفتاب خواهد بود مگر اینکه دادگاه زمان خاصی را تعیین کرده باشد و اجرای حکم حسب مورد به مأمورین زندان یا نیروی انتظامی است ولی در مورد قصاص نفس ولی دم می توانند شخصاً محکوم را قصاص کرده یا وکیل بگیرند.

فصل دوم – قتل شبه عمدی

✱ قتل شبه عمد: شامل موردی است که مرتکب قصد فعل واقع شده بر مقتول را دارد و با عمد و اراده اقدام به انجام آن می کند اما خواهان حصول نتیجه به دست آمده نمی باشد (یعنی قصدقتل را ندارد).

گفتار نخست- رکن قانونی

✓ طبق ماده 295، قتل یا جرح یا نقص عضو که به طور خطای شبیه عمد واقع می شود و آن در صورتی است که جانی قصد فعلی را که نوعاً سبب جنایت نمی شود (نوعاً کشنده نباشد) داشته باشد و قصد جنایت را نسبت به مجنی علیه نداشته باشد، مانند آنکه کسی را به قصد تأدیب به نحوی که نوعاً سبب جنایت نمی شود بزند و اتفاقاً موجب جنایت گردد.

از مصادیق دیگر قتل‌های شبه عمد زمانی است که به واسطه بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم مهارت و عدم رعایت مقررات مربوط به امری «عدم رعایت نظامات دولتی» قتل یا ضرب یا جرح واقع شود. در این موارد با وجودی که مرتکب کاری را بر روی جسم مقتول انجام نمی دهد اما قتل شبه عمد محسوب می شود.

گفتار دوم – رکن مادی

الف- وجود شخص زنده: عنوان جرم قتل صرفاً در مورد انسان زنده قابل تصور است و در خصوص افراد مرده منتفی است.

ب- فعل مرتکب: فعل مرتکب به عنوان جزء دوم رکن مادی قتل شبه عمدی فعل مثبت مادی است لذا ترک فعل نمی تواند به عنوان رکن مادی محسوب شود.

گفتار سوم- رکن معنوی

در قتل‌های شبه عمدی مرتکب نتیجه حاصل از عمل خود را قصد نمی کند و مرگ به صورت ناخواسته و اتفاقی حادث می شود.

فصل سوم- قتل خطای محض

در قتل خطای محض مرتکب بدون اینکه قصد فعل واقع شده بر مقتول را داشته و خواهان حصول نتیجه نیز باشد مرتکب قتل می شود (یعنی قصد فعل را دارد ولی قصد فعل واقع شده بر مجنی علیه را ندارد).

مثلاً شخصی به قصد شکار حیوانی به سوی آن اقدام به شلیک گلوله می کند اما گلوله به انسانی برخورد می کند و سبب مرگ او میشود (بند الف ماده 295).

نک: جنایتهای عمدی و شبه عمدی دیوانه و نابالغ نیز به منزله خطای محض می باشد.

✓ در قتل های خطای محض نیز فعل قاتل باید به صورت مثبت و مادی باشد و ترک فعل نمی تواند به عنوان رکن مادی چنین قتل‌هایی محسوب شود.

فصل چهارم- مجازات قتل‌های شبه عمد و خطای محض

حسب مقررات ماده 295، مجازات قتل یا جرح یا نقص عضو شبه عمدی و خطایی دیه است.

مبحث نخست – دیه

✱حسب ماده 294، دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی علیه یا به ولی یا اولیای دم او داده می شود.

گفتار نخست- نوع و مقدار دیه قتل

✓ طبق ماده 297، دیه قتل مرد مسلمان یکی از امور ششگانه زیر است که قاتل در انتخاب هر یک از آنها مخیر می باشد و تلفیق آنها جایز نیست:

1- یکصد شتر سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند

2- دویست گاو سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند

3- یک هزار گوسفند سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند

4- دویست دست لباس سالم از حله های یمن

5- یک هزار دینار مسکوک سالم و غیر مغشوش که هر دینار یک مثقال شرعی طلا به وزن 18 نخود است

6- ده هزار درهم مسکوک سالم و غیر مغشوش که هر درهم به وزن 12/6 نخود نقره می باشد.

تبصره 1- قیمت هر یک از امور ششگانه در صورت تراضی طرفین و یا تعذر همه آنها پرداخت می شود.

✓ طبق ماده 299، دیه قتل در صورتی که صدمه و فوت هر دو در یکی از چهار ماه حرام (رجب، ذیقعد، ذیحجه، محرم) و یا در حرم مکه معظمه واقع شود علاوه بر یکی از امور ششگانه ماده 297 به عنوان تشدید مجازات باید یک سوم هر نوعی که انتخاب کرده است اضافه شود و سایر مکانهای متبرک دارد این حکم نیستند.

✱تغلیظ دیه: افزودن یک سوم به اصل دیه انتخابی می باشد که با جمع شدن شرایط تعیین شده باید توسط قاتل پرداخت گردد.

طبق ماده 300، دیه قتل زن مسلمان خواه عمدی و خواه غیر عمدی نصف دیه مرد مسلمان است.

✓ طبق ماده 302، مهلت پرداخت دیه در موارد مختلف از زمان وقوع قتل به ترتیب زیر است:

الف- دیه قتل عمد باید در ظرف یکسال پرداخت شود

ب- دیه قتل شبهه عمد در ظرف 2 سال پرداخت می شود

ج- دیه قتل خطای محض در ظرف 3 سال پرداخت می شود

تبصره 1- تأخیر از این مهلت ها بدون تراضی طرفین جایز نیست.

تبصره 2- ديه قتل جنين و نيز ديه نقص عضو يا جرح به ترتيب فوق پرداخت مي شود.

✓ طبق ماده 303 ، اگر قاتل در شبیه عمد در مدت معین قادر به پرداخت نباشد به او مهلت مناسب داده می شود
گفتار سم- مسئول پرداخت ديه

✓ طبق ماده 304 ، در قتل عمد و شبهه عمد مسئول پرداخت ديه خود قاتل است.

✓ طبق ماده 305 ، در قتل خطای محض در صورتی که قتل با بينه يا قسامه يا علم قاضی ثابت شود پرداخت ديه به عهده عاقله است و اگر با اقرار يا نکول او از سوگند يا قسامه ثابت شده به عهده خود اوست.

✓ طبق ماده 306 ، در خطای محض ديه قتل و همچنین ديه جراحت (موضحه) و ديه جنایتهای زیادتري از آن حد به عهده عاقله می باشد و ديه جراحتهای کمتر از آن به عهده خود جانی است.

گاهی اوقات قانونگذار در خصوص قتلهاي غير عمد علاوه بر ديه مجازات تعزیری که شامل حبس از یک تا سه سال است پیش بینی نموده است.

فصل پنجم – صدمات بدنی غير عمدی ناشی از رانندگی

مبحث نخست- ارکان تشکیل دهنده قتل غير عمدی ناشی از رانندگی

گفتار نخست – رکن قانونی

✓ طبق ماده 714 ، هرگاه بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت راننده (اعم از وسایل نقلیه زمینی یا آبی یا هوایی) یا متصدی وسیله موتوری منتهی به قتل غير عمدی شود مرتکب بفش ماه تا سه سال حبس و نیز به پرداخت ديه در صورت مطالبه از ناحیه دم محکوم می شود.

گفتار دوم- رکن مادی

اولین جزء رکن مادی قتل غير عمدی ناشی از تخلفات رانندگی وجود شخص زنده ای است که حیات او مورد تعرض قرار گیرد.

دومین جزء آن است که مرتکب با میل و اراده خود اقدام به رانندگی یا تصدی وسیله موتوری کند اما به واسطه تقصیر منتهی به مرگ دیگری شود.

✓ در امر رانندگی بی احتیاطی به معنای اقداماتی است که راننده مکلف به انجام آنهاست اما آنها را انجام نمی دهد (ترک فعل)

✓ منظور از بی مبالاتی اقداماتی است که راننده نباید انجام دهد اما آنها را مرتکب می شود (فعل) .

از دیگر ارکان مادی، عدم مهارت و عدم رعایت قوانین و نظامات دولتی می باشد.

نک: در خصوص قتل‌های ناشی از تخلف رانندگی و جرایم مشابه رابطه علیت میان فعل متهم و حادثه مورد توجه نیست، بلکه میان تقصیر و حادثه منجر به مرگ مورد بررسی قرار می گیرد.

فصل ششم- رابطه علیت

✓ احراز رابطه علیت میان فعل قاتل و مرگ مقتول ضروری است و در صورت فقدان چنین امری هیچگونه مسئولیتی برای مرتکب عمل وجود نخواهد داشت.

✓ در نظام حقوقی ما در خصوص فاصله زمانی بین عمل و نتیجه مشخص و معین نمی باشد و مبنای آن زمان متعارفی است که رابطه میان عمل و نتیجه احراز گردد.

مبحث نخست- نظریه های ارائه شده در قلمرو رابطه علیت

در صورتی که اسباب متعددی در وقوع جنایت دخالت داشته باشند برای تعیین شخص مسئول نظریاتی ارائه گردیده است.

گفتار نخست- نظریه شرط ضروری

طبق این نظریه هر امری که ضرورتاً نقشی در بروز حادثه داشته باشد بین آن و ایجاد حادثه ارتباط وجود دارد به عبارت دیگر هر کسی که در تحقق حادثه ایجاد شده مؤثر باشد دارای مسئولیت است.

در مثال آتش زدن اتومبیل، چنانچه یکی اقدام به ریختن بنزین، دیگری کبریت را روشن و سومی اقدام به پرتاب آن بر روی اتومبیل نماید تمای افراد دارای مسئولیت می باشند چون با فقدان هر یک آتش سوزی محقق نمی شود.

گفتار دوم- نظریه شرط متصل به نتیجه

طبق این نظریه برای تعیین شخص مسئول حادثه صرفاً باید به آخرین سبب توجه نمود (سببی که مستقیماً با حادثه مرتبط است)

مثلاً چنانچه کسی چاهی حفر و دیگری شخصی را در آن بیندازد مسئولیت با کسی است که اقدام به انداختن مقتول در چاه نموده است.

گفتار سوم- نظریه شرط متحرک یا پویای نتیجه

در این نظریه اسباب مؤثر در حادثه به دو دسته متحرک و ثابت تقسیم می شوند و معتقدند تنها عوامل متحرک می توانند سبب بروز حادثه شوند.

مثلاً چنانچه شخصی بدون قصد قتل ضربه ای که نوعاً کشنده نباشد به دیگری وارد کند اما به دلیل وضعیت مقتول مانند بیماری منجر به قتل شود چون ضربه عاملی متحرک و بیماری ثابت است لذا صرفاً کسی که ضربه را وارد کرده مسئول است.

گفتار چهارم- نظریه شرط کافی نتیجه

طبق این نظریه از میان اسبابی که در قوع حادثه نقش دارند تنها باید عاملی را که عرفاً باعث ایجاد حادثه می شود به عنوان علت واقعی شناخت (استفاده از نظریات کارشناسان و متخصصان)

مبحث دوم – احراز رابطه علیت یا سببیت

✓ اصولاً در مسایل کیفری اثبات رابطه علیت یا سببیت بر عهده مقام قضایی است.

گفتار نخست- احراز رابطه علیت بر مبنای تقصیر

✓ طبق تبصره ماده 336، تقصیر اعم است از بی احتیاطی، بی مبالاتی، عدم مهارت، عدم رعایت نظامات دولتی طبق تبصره 3- ماده 295، هرگاه بر اثر بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم مهارت و عدم رعایت مقررات مربوط به امری قتل یا ضرب یا جرح واقع شود بنحوی که اگر آن مقررات رعایت می شد حادثه ای اتفاق نمی افتاد قتل یا جرح یا ضرب در حکم شبه عمد خواهد بود.

1- بی احتیاطی: اموری است که شخص مکلف به انجام آن است اما آن را انجام نمی دهد (ترک فعل).

2- بی مبالاتی: اقدام به امری که شخص نباید انجام دهد اما انجام می دهد (فعل)

چنانچه در خصوص امری نظاماتی وجود نداشته باشد اساساً موضوع عدم رعایت آنها منتفی است و دادگاه نمی تواند بر مبنای ضابطه عدم رعایت نظامات اقدام به صدور حکم کند و نیز چنانچه نظاماتی تعیین شده باشد ولی عدم رعایت آنها در ایجاد حادثه هیچگونه تأثیری نداشته باشد صرفاً به عنوان یک تخلف صنفی قابل رسیدگی است.

نک: عرف در تعیین نظامات هیچگونه نقشی ندارد و مقصود از نظامات منحصراً قوانین ومقررات است .

گفتار دوم- احراز رابطه علیت در فرض عدم وجود تقصیر

الف- مباشرت: طبق ماده 317، مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود جانی واقع شده باشد.

ب- تسبیب: طبق ماده 318، تسبیب در جنایت آن است که انسان سبب تلف شدن یا جنایت علیه دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود به طوری که اگر نبود جنایت حاصل نمی شد مانند اینکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند.

✓ به نظر مؤلف تسبیب با فعل منفی یا ترک فعل معنا ندارد و لزوماً با فعل مثبت قابل تحقق می باشد.

ج- اجتماع مباشر و مسبب: طبق ماده 363، در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوای از مباشر باشد.

فصل هفتم- سقط جنین

از نظر حقوقی مرحله رشد و تکامل جنین به دو دوره تقسیم میشود:

الف- مرحله قبل از حلول روح

این مرحله با انعقاد نطفه شروع و تا زمان حلول روح در جنین ادامه دارد که در اصطلاح حیات جنینی نام دارد. ✓ طبق ماده 487، دیه سقط جنین به ترتیب زیر است:

1 - دیه نطفه که در رحم مستقر شده 20 دینار

2- دیه علقه که خون بسته است 40 دینار

3 -دیه مضغه که به صورت گوشت در آمده است 60 دینار

4 - دیه جنین در مرحله ای که به صورت استخوان در آمده و هنوز گوشت نرویده است (عظام) 80 دینار

5 - دیه جنین که گوشت و استخوان بندی آن تمام شده و هنوز روح در آن پیدا نشده (لحم) 100 دینار

تبصره - در مراحل فوق هیچ فرقی بین دختر و پسر نمی باشد.

6 - دیه جنین که روح در آن پیدا شده است اگر پسر باشد دیه کامل و اگر دختر باشد نصف دیه کامل و اگر مشتبّه باشد سه ربع دیه کامل خواهد بود.

ب- مرحله بعد از حلول روح

این مرحله از زمان حلول روح در جنین شروع می شود و تا زمان تولد ادامه دارد که به آنحیات زیستی گویند .

✱ سقط جنین: اخراج عمدی جنین از رحم، قبل از موعد طبیعی به نحوی که قابل زیستن نباشد را سقط جنین گویند.

مبحث نخست - ارکان تشکیل دهنده سقط جنین

گفتار نخست- رکن قانونی

گفتار دوم - رکن مادی

الف- حامله بودن زن

✓ بزه سقط جنین از جمله جرایم مقید است و تحقق آن مستلزم وجود جنین و حامله بودن مجنی علیه می باشد. نک: مشروع بودن حاملگی مؤثر بر تحقق بزه نیست لذا چنانچه جنینی به واسطه رابط نامشروع به وجود آمده باشد مورد حمایت قانونگذار است.

نک: کیفیت حاملگی شرط وقوع جرم نیست و فرقی میان حصول حاملگی از راه نزدیکی طبیعی، تلقیح مصنوعی و یا اهدای جنین وجود ندارد.

نک: اصولاً ویژگیهای فیزیکی جنین همانند ناقص الخلقه بودن در تحقق بزه نقشی ندارد.

ب- فعل مرتکب

✓ فعل مرتکب فعلی مثبت مانند ضرب، آزار و اذیت و فراهم ساختن وسایل سقط جنین است و ترک فعل عنصر مادی جنین جرمی نمی باشد.

طبق ماده 222، هر کس عالماً و عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین وی شود علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص حسب مورد به حبس از 1 تا 3 سال محکوم خواهد شد.

نک: ایراد ضرب یا اذیت و آزار باید متوجه سقط جنین باشد تا مشمول مجازات ماده 222 شود.

✓ طبق ماده 623، هر کس به واسطه دادن ادویه یا وسایل دیگری موجب سقط جنین زن گردد بیشتر ماه تا یکسال حبس محکوم می شود و اگر عالماً و عامداً زن حامله ای را دلالت به استعمال ادویه یا وسایل دیگری نماید که جنین وی سقط گردد به حبس از 3 تا 6 ماه محکوم خواهد شد مگر اینکه ثابت شود که این اقدام برای حفظ حیات مادر می باشد و در هر مورد حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات داده خواهد شد.

✓ طبق نظر شورای نگهبان سقط در مقام حفظ حیات مادر زمانی مشروع است که جنین فاقد روح بوده و چنانچه در آن روح دمیده شده باشد امکان اسقاط آن وجود ندارد و خلاف شرع است.

✓ طبق ماده 624، اگر طبیب یا ماما یا دارو فروش وسایل سقط جنین فراهم سازند و یا مباشرت به اسقاط جنین نمایند به حبس از 2 تا 5 سال محکوم خواهند شد و حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات به عمل خواهد آمد.

نک: زمانی می توان مرتکب را به عنوان تهیه وسایل سقط جنین تحت تعقیب قرار داد که با استفاده از آنها اسقاط جنین صورت پذیرفته باشد.

مقصود قانونگذار از وسایل سقط جنین وسایل خاص پزشکی همانند کورت شارپ است.

گفتار سوم- رکن معنوی

* برای احراز رکن معنوی لازم است که مرتکب:

1- نسبت به حامله بودن زن علم و آگاهی داشته باشد.

2- در انجام اقدامات مادی مانند ضرب و آزار و اذیت عمد داشته باشد.

3- خواهان حصول نتیجه مجرمانه باشد (قصد سقط جنین)

مبحث دوم- مجازات سقط جنین

گفتار نخست- مجازات سقط جنین عمدی

مجازات سقط جنین ناشی از ایراد ضرب یا اذیت و آزار یک تا سه سال حبس و مجازات سقط جنین از راه دادن

ادویه یا وسایل دیگر 6 ماه تا یکسال حبس و برای دلالت به استعمال ادویه یا وسایل دیگر مجازات حبس 3 تا 6

ماه و برای مباشرت در اسقاط جنین یا فراهم نمودن وسایل سقط به وسیله طبیب یا ماما یا دارو فروش مجازات

حبس از 2 تا 5 سال علاوه بر پرداخت دیه در هر مورد پیش بینی شده است.

✓ چنانچه کسی در مرحله حلول روح جنین اقدام به اسقاط آن نماید طبق منابع اسلام محکوم به قصاص می گردد.
✓ طبق ماده 489، هرگاه زنی جنین خود را سقط کند دیه آن را در هر مرحله ای که باشد باید بپردازد و خود از آن دیه سهمی نمی برد.

بنابراین با توجه به قانون مجازات اسلامی امکان تعزیر زن حامله به واسطه اسقاط جنین وجود ندارد و تنها ضمانت اجرای کیفری تعیین شده توسط قانونگذار پرداخت دیه است.

گفتار دوم – مجازات سقط جنین شبه عمدی و خطایی

✓ با توجه به ماده 487 ق.م.ا، مجازات سقط جنین شبه عمدی و خطایی همواره پرداخت دیه می باشد.

✓ طبق ماده 490 نیز، هرگاه چند جنین در یک رحم باشند به عدد هر یک از آنها دیه جداگانه خواهد بود.

مهلت پرداخت دیه سقط جنین نیز از زمان وقوع مانند دیه قتل است (تبصره 2 ماده 302)

گفتار سوم – مجازات سقط جنین ناشی از تخلفات رانندگی

مجازات سقط جنین ناشی از تخلفات رانندگی علاوه بر پرداخت دیه حبس تعزیری از 2 ماه تا یکسال می باشد (ماده 715).

نک: برخلاف سقط جنین به وضع حمل قبل از موعد طبیعی دیه ای تعلق نمی گیرد.

نک: چنانچه بر اثر تخلفات رانندگی، وضع حمل قبل از موعد طبیعی صورت گیرد مجازات حبس از 2 ماه تا 6 ماه در نظر گرفته می شود.

بخش سوم- جرایم علیه شخصیت معنوی اشخاص

فصل نخست- توهین

✱ ارکان تشکیل دهنده جرم توهین به شرح زیر است:

گفتار نخست- رکن قانونی

✓ طبق ماده 608؛ توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد به مجازات شلاق تا 74 ضربه و یا 50 هزار ریال تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود.

✓ چنانچه کسی به یکی از مقامات دولتی یا مأمورین دولتی در حال انجام وظیفه یا به سبب آن توهین نماید به 3 تا 6 ماه حبس و یا تا 74 ضربه شلاق و یا تا 50 هزار ریال تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شود.

گفتار دوم- رکن مادی

اولین جزء رکن مادی بزه توهین به کار بردن الفاظ یا ارتکاب اعمال و انجام حرکاتی است که موجب هتک حرمت دیگری شود که ضابطه تشخیص آن نیز عرف است.

✓ معیار رکیک بودن الفاظ نسبت به هر شخصی متفاوت است لذا لدگاه باید برای تشخیص قول یا فعل اهانت آمیز باید با در نظر گرفتن شخصیت طرفین، نوع لفظ و عرف جامعه اقدام به اتخاذ تصمیم کند.

نک: چنانچه کسی در مقابل توهین دیگری به او توهین کند عمل جرم و قابل مجازات است به عبارت دیگر ارتجالی یا ابتدایی بودن توهین از شرایط تحقق بزه نمی باشد.

دومین جزء از رکن مادی جرم توهین این است که توهین باید متوجه فرد یا افراد معینی باشد.

نک: توهین به مقامات و مأمورین دولتی به وسیله فعل و ترک فعل قابل تحقق است.

نک: زمان و مکان در توهین به «سبب انجام وظیفه» تأثیری ندارد و جهت تحقق جرم کافی است که کسی به مأمورین دولتی به سبب انجام وظیفه اهانت کند ، مثلاً کارمندی به کوه پیمایی برود و در آنجا یکی از مراجعه کنندگانش به او توهین نماید.

نک: چنانچه توهین در حال انجام وظیفه باشد حضور فیزیکی شخص مورد توهین شرط است در حالیکه در توهین به سبب انجام وظیفه حضوری بودن توهین شرط نمی باشد.

گفتار سوم- رکن معنوی

✓ توهین از جرایم عمدی است و علم و آگاهی مرتکب نسبت به اهانت آمیز بودن الفاظ و رفتار شرط است لذا عدم آگاهی از مفهوم کلمات و الفاظ توهین آمیز باعث جرم نیست.

فصل دوم- افتراء

✓ افتراء در لغت به معنی تهمت زدن، دروغ و بهتان آمده است.

*** ارکان تشکیل دهنده جرم افتراء عبارتند از:**

گفتار نخست- رکن قانونی

✓ طبق ماده 697 ، هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه یا جراید یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگری به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آنها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به یک ماه تا یکسال و تا 74 ضربه شلاق یا یکی از آنها حسب مورد محکوم خواهد شد.

✓ طبق ماده 699 (افترای عملی)، هر کس عالماً عامداً به قصد متهم نمودن دیگری، آلات و ادوات جرم یا اشیایی را که یافت شدن آن در تصرف یک نفر موجب اتهام او میگردد، بدون اطلاع آن شخص در منزل یا محل کسب یا جیب یا اشیایی که متعلق به اوست بگذارد یا مخفی کند یا به نحوی متعلق به او قلمداد کند و در اثر این عمل شخص مزبور تعقیب گردد. پس از صدور قرار منع تعقیب و یا اعلام برائت قطعی آن شخص، مرتکب به حبس از 6 ماه تا 3 سال و یا تا 74 ضربه شلاق محکوم میشود.

گفتار دوم- رکن مادی

برای تحقق جرم افتراء نسبت هایی که به دیگری داده می شود باید طبق قوانین جرم باشد ، مثل نسبت کلاهبرداری به کسی دادن . لذا انتساب اموری که تنها از نظر اخلاقی و یا انسانی زشت و ناپسند است سبب تحقق جرم افتراء نمی گردد.

✓ وسایل مادی جرم افتراء شامل دو دسته وسایل معین مانند: اوراق چاپی یا خطی، روزنامه، جراید و نطق در مجامع و وسایل نامعین که امکان تحقق جرم افتراء با هر نوع وسیله ای متصور است، می باشد.

✓ از دیگر اجزای رکن مادی جرم افتراء این است که مرتکب از اثبات صحت اسناد عاجز باشد.

*** شرایط تحقق جرم افتراء عملی (با توجه به ماده 699):**

- 1 - علم و عمد مرتکب نسبت به وضعیت اشیاء و اعمال ارتكابی
- 2 - عدم آگاهی متهم از وجود اصل اشیاء و یا ماهیت آن
- 3- اثبات بی گناهی مفتري عليه از طریق صدور قرار منع تعقیب یا برائت قطعی.

گفتار سوم- رکن معنوی

افتراء از جرایم عمدی است و مرتکب در به کار بردن نسبت های مجرمانه باید عمد داشته باشد.

فصل سوم – قذف

*** قذف در اصطلاح حقوقی عبارتست از: نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگری.**

✓ قذف در واقع نوعی افتراء است با این تفاوت که قذف کلیت افتراء را ندارد و منحصرأً شامل دو نسبت زنا یا لواط است.

✓ یکی از اجزای رکن ماده جرم قذف این است که مرتکب بدون ابهام و به طور صریح به دیگری نسبت زنا یا لواط دهد، مثلاً بگوید تو زنا کرده ای و یا به فرزند مشروع خود بگوید تو از نطفه من نیستی.

✓ برای تحقق جرم قذف شرط است شخصی که نسبت زنا یا لواط به او داده می شود مشخص و معین باشد.

✓ چنانچه کسی به دیگری بگوید «خواهر قحبه» نسبت به کسی که زنا را به او نسبت داده محکوم به حد قذف است و نسبت به مخاطب تا 74 ضربه شلاق تعزیر می گردد (ماده 144) .

✓ طبق ماده 151، هرگاه کسی چند نفر را به طور جداگانه قذف کند در مقابل قذف هر یک جداگانه حد بر او جاری می شود؛ خواه همگی با هم مطالبه حد کنند، خواه به طور جداگانه.

✓ طبق ماده 152، هرگاه کسی چند نفر را به یک لفظ قذف نماید اگر هر کدام از آنها جداگانه خواستار حد باشند برای قذف هر یک از آنها حد جداگانه ای جاری می گردد، ولی اگر با هم خواستار حد باشند تنها یک حد ثابت می شود.

نک: هرگاه کسی چند بار اشخاص را قذف کند و بعد از هر بار حد بر او جاری شود در مرتبۀ چهارم کشته می

شود (157).

✓ قذف از جرایم عمدی است لذا نه تنها مرتکب باید در کاربردن الفاظ دارای عمد باشد به علاوه باید به معنی و مفهوم آنها نیز آگاهی داشته باشد.

✓ طبق ماده 146، قذف در مواردی موجب حد می شود که قذف کننده بالغ و عاقل و مختار و دارای قصد باشد و قذف شونده نیز بالغ و عاقل و مسلمان و عقیف باشد در غیر اینصورت حد ثابت نمی شود.

مبحث چهارم- افشای اسرار حرفه ای

✓ طبق ماده 648، اطباء و جراحان و ماماها و دارو فروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می شوند، هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند به 3 ماه و یک روز تا یکسال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شوند.

✓ یکی از ارکان مادی جرم افشای اسرار این است که اطلاع از سر به مناسبت شغل یا حرفه باشد.

✓ چنانچه خدمتکار منزلی اقدام به افشای اسرار کارکنان نزد دیگری کند قابل تعقیب و مجازات است.

نک: افشاء کننده باید به طور مستقیم از سر آگاه شود یعنی صاحب سر خودش موضوع را برای او بیان کند.

فصل پنجم- توقیف و حبس غیر قانونی

✓ طبق ماده 583، هر کس از مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آنها بدون حکمی از مقامات صلاحیتدار در غیر مواردی که در قانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس کند یا عناً در محلی مخفی نماید به یک تا 3 سال حبس یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.

✓ در جرم توقیف و حبس غیر قانونی، عمل مرتکب باید فعل مثبت باشد لذا جرم مذکور با ترک فعل تحقق نمی یابد.

✓ با توجه به اینکه جرم توقیف و حبس غیر قانونی از جرایم عمدی است لذا مرتکب نه تنها در انجام افعال خود باید دارای عمد باشد بلکه باید به غیر قانونی بودن و نامشروع بودن آن نیز آگاهی داشته باشد.

فصل ششم- هتک حرمت منزل یا مسکن اشخاص

✓ طبق ماده 580، هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیر قضایی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد بدون ترتیب قانونی به منزل کسی بدون اجازه و رضای صاحب خانه داخل شود بهس از یکماه تا یک سال محکوم خواهد شد مگر اینکه ثابت نماید به امر یکی از روسای خود که صلاحیت حکم را داشته مکره به اطاعت امر بوده اقدام کرده است که در اینصورت مجازات مزبور در حق آمر اجرا خواهد شد.

✓ طبق ماده 694، هر کس در منزل یا منزل دیگری به عنف یا تهدید وارد شود به مجازات از 6 ماه تا 3 سال محکوم خواهد شد و در صورتی که مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لاقلاً یکی از آنها حامل سلاح باشد به حبس از 1 تا 6 سال محکوم می شوند.

یکی از اجزای رکن مادی جرم ورود به منزل غیر وجود مسکن متعلق به دیگری است و رکن دیگر آن فعل مثبت داخل شدن بدون اجازه و رضایت صاحب منزل به عنف یا تهدید است.

نک: در عنوان سلاح، فرقی بین سلاح گرم و سرد و نیز آشکار یا پنهان بودن و استفاده یا استفاده ننمودن از آن وجود ندارد و اما در هر حال باید واقعی باشد.

فصل هشتم- تهدید

✓ طبق ماده 669، هرگاه کسی دیگری را تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شوخی یا مالی و یا به افشای سری نسبت به خود یا بستگان او نماید، اعم از اینکه به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد به مجازات شلاق تا 74 ضربه یا زندان از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد . انجام این جرم می تواند شفاهی، کتبی، به وسیله تلفن و استفاده از سلاح باشد اما در هر حال باید صراحت داشته باشد.

نک: جرم تهدید از جرایم عمدی است بنابراین مرتکب باید از روی اراده و آگاهی اقدام به تهدید دیگری کند اما

منالپ

حصول نتیجه مجرماته شرط تحقق جرم نیست.